



نوجوانان اهل عطر و ادکلن بخوانند

مریم راهی

دستت را که بگذاری در دست مبارک امام زمان علیه السلام و دلت را بسپری به او، بوی خوش، تمام تنت را برمی دارد و به این زودی ها با تو خدا حافظی نمی کند. نگرانی هم نخواهی داشت که آخ اگر زیاد ازش استفاده کنم تمام می شود. رو دستش هم هیچ مارک و برند جدیدی بلند نمی شود و همیشه خدا در صدر است.

خودت را که با مهر حضرت ولی عصر علیه السلام معطر کنی، عزیز می شوی و بزرگ، تازه می شوی همان که سال ها در بهر به دنبالش بودی و نمی یافتی. گره از کارت گشوده می شود و می توانی یک نفس راحت بکشی. چنین عطر ارزشمندی ارزان نیست، برای به دست آوردنش باید خودت را قربانی کنی، یعنی قید خودت را بزنی و تمام وجودت بشود او. مثل این که یک شیشه عطر سرازیر کرده باشی، از سر تا پایت.

محبت حضرت ولی عصر علیه السلام را اگر می خواهی باید شش دانگ حواست را جمع ایشان کنی. ببینی چه می گوید، چه می خواهد، چه می کند، سکوتش چیست، کلامش چیست، انگاری رفته ای توی یک مغازه عطرفروشی برای خرید و قرار است بروی به یک میهمانی بسیار مهم، از آن مهمانی ها که ارزش آدمی را به عطر تنش می سنجند پس باید بدون اشتباه، دست به انتخاب بزنی. برای انتخاب بهترین عطر، باید بهترین روح را داشت. مخارجش بالاست دیگر.

بعضی چیزها خیلی قطعی است و بوی هیچ شکی ازش بلند نمی شود؛ به گونه ای که اگر از تو پرسند آیا این خوب است یا بد؟ نمی توانی بگویی لطفاً اجازه دهید کمی درباره اش فکر کنم. بلکه سر ضرب می گویی بله خوب است، یا نه بد است. نمونه اش همین عود و عنبر و عنبر که همیشه برای همه خوب بوده و دلچسب و مسحور کننده.

اگر کم عطر بزنی، بوی عرق تمام تنت را برمی دارد. باید همیشه توی این جیب یا آن جیب، توی این کیف یا آن کیف، لب این طاقچه یا آن طاقچه، مقداری ازش داشته باشی تا مبدا بمانی بدون رایحه خوش. اگر چیزهای دیگر نیز عطر آگین باشد که دیگر چه بهتر! چون واهمه ای نخواهی داشت از رو شدنش.

اصلاً عطر، اعتماد به نفس می آورد و حس شادمانی می آفریند و اعتبار می دهد. خلاصه کنم؛ از آن دست محصولات است که رقیب ندارد. حالا نه این که فقط منظورم عطر و ادکلن های گران قیمت اصل باشد. نه، عطر می تواند چیزی باشد سوای عطر، اما تا همان اندازه خوش بو و آرامش بخش، با ماندگاری بالا، طوری که به این راحتی ها نپرد. عطر و ادکلن، بوی خوشی است که تنها تا مرز لباس پیش می رود و هر چه کنی پا پیش تر نمی گذارد. اگر هم قدری از مرز لباس بگذرد، زودگذر است و موقتی. یعنی لباس را که عوض کنی باز می شوی همان آدم سابق؛ بدون رایحه دلنواز.

